



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است. امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

## فصل نوزدهم

### متی ۱۹

- ۱: هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رسانید،  
جلیل را ترک گفت و از آن سوی رود اردن به نواحی یهودیه آمد.
- ۲: جمعیت انبوهی در پی او روانه شدند  
و او ایشان را در آنجا شفا بخشید.
- ۳: فریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند.  
آنان پرسیدند: «آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟»
- ۴: عیسی در پاسخ گفت:  
«مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز "ایشان را مرد و زن آفرید"،  
و گفت "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده،  
به زن خویش خواهد پیوست  
و آن دو یک تن خواهند شد"؟»
- ۶: بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند  
بلکه یک تن می باشند.  
پس آنچه را خدا پیوست،  
انسان جدا نسازد».
- ۷: به وی گفتند: «پس چرا موسی امر فرمود  
که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟»
- ۸: ایشان را گفت: «موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید،  
اما در آغاز چنین نبود.
- ۹: به شما می گویم،  
هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد  
و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است».

عیسی کماکان مشغول شفای مردم بود که "فریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند". می بینند، ولی نمی فهمند. برای ما ممکن است عجیب بنظر آید که کسی شفا را ببیند و نفهمد چه شد. اما عیسی بارها بمان نشان می دهد که افرادی این چنین در میان ما هستند. مذهبشان را به رخ می کشند تا اشکالی در مکتب شما پیدا کنند. اشاره کردند به آنچه در تثنیه ۲۴ راجع به طلاق گفته، "«آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟»" (۱). خدا در ملاکی ۲: ۱۶ می گوید، "یهوه خدای اسرائیل می فرماید: «من از طلاق نفرت دارم، و از آن که جامه اش را به خشونت می پوشاند. پس مراقب روحهای خود باشید و خیانت مورزید»» این است فرموده خداوند لشکرها". البته فریسیان تفسیرشان از آنچه نوشته شده صحیح نبود. عیسی در پاسخ گفت: "«مگر نخوانده اید که آفریننده جهان در آغاز "ایشان را مرد و زن آفرید". و گفت "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد"». توجه داشته باشید در جواب عیسی می گوید، "مگر نخوانده اید"، یعنی همان کلامی که به آن اشاره می کنید. همچنین، صحبت از ازدواج های همجنس و یا چندهمسری نکرده و در مکتب خدا نیست. در خصوص مسائل

زناشویی، مطالب بسیاری هست که در کتاب 'حل مسائل زناشویی' می‌توانید بخوانید و اینجا مقدور نیست اضافه کنم.

عیسی می‌گوید "بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد". آنچه در این قسمت از کلام می‌خوانیم موضوع ازدواج را روشن می‌سازد. ازدواج عهدی است که میان سه نفر بسته می‌شود، زن، شوهر، و خدا. خداست که آن را در آسمان ثبت می‌نماید. آنکه عهد خدا را می‌شکند، خدا را بی‌اهمیت می‌شمارد، زنا کار شمرده می‌شود و عاقبت او در دست شیطان خواهد بود. شما دو گناه کار را زیر یک سقف قرار بدهید، دعوا راه خواهد افتاد. هر قدر سعی کنید، نهایتاً زندگی ناکامی را خواهند داشت. اگر دو کودک را با یک اسباب بازی تنها بگذارید، دعوا راه خواهد افتاد. چرا...؟ چون صبر و تحمل ندارند. همین حالا آن را می‌خواهند. طبیعتشان اینگونه است. در صورتی که مسئله جنبه روحانی دارد، و با معیار های این دنیا سازگار نیست. خدا ما را از این دنیا فانی و محدود، نجات داد تا در بعد دراز مدت (عمر جاودانی) زندگی کنیم، و پیوسته در حال رشد خواست خدا در زندگی زناشویی خود باشیم.

زندگی زناشویی را خدا پایه ریزی می‌کند، هدایت می‌کند، و آن را مانند الماسی در میان مردم می‌درخشاند. اگر شما چنین شهادتی دارید، آن را بدرخشانید. خدا کار عظیمی در شما کرده.

"به وی گفتند: «پس چرا موسی امر فرمود که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟» (۷). می‌خواهند بدانند چرا لازم است در زندگی زناشویی ماند. درک نکرده اند که خدا معیار خود را در زندگی زناشویی بیان کرده، و یار لازم را (روح القدس و کلیسا) در اختیارشان گذاشته تا خواست او را بتوانند انجام رسانند. ما مسیحیان نیستیم که زندگی خود را (چه مجرد یا مزدوج) در دست می‌گیریم. خداست که از طریق روح القدس و کلامش که در ما هست (آنچه ابتدا باعث ایمان شد، و آنچه بعداً از افه گردید)، ما را تغییر داده، و کماکان در کار است. اما، فرق عمده، عیسی می‌گوید، "آن دو یک تن خواهند شد". یکتا یعنی چه...؟ یعنی با کمک روح القدس و کلامش آن دو آنگونه تغییر خواهند نمود (، که یار وفادار زندگی یکدیگر خواهند گردید. عیسی قبلاً گفته بود، تا دگرگون نشوید به پادشاهی راه نمی‌یابید.

زندگی زناشویی خدا را خودش در آسمان ثبت می‌کند، و به این شکل به همه نشان می‌دهد که این ازدواج را خدا بنا می‌سازد. خدا می‌خواهد از طریق زندگی زناشویی ما، نشان بدهد که چرا مخالف طلاق است و چگونه ما را یکتا می‌سازد. در قدیم، مرد با زنی ازدواج می‌کرد که تابحال ندیده بود. در آن زمان طلاق به ندرت صورت می‌گرفت و یکتا به سادگی انجام می‌گرفت. حال، روح همانست و کلام، اما کمتر کسی هست که کمک کند زندگی زناشویی بر طبق کلام استوار باشد. کلام را باز کنید، محور تنگ و باریک را حفظ کنید، خدا کارش را انجام خواهد داد.

البته عیسی طلاق را کلاً رد نکرد. می‌گوید، "موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید، اما در آغاز چنین نبود". توجه کنید، می‌گوید "به سبب سختدلی شما". تنها دلیل مسائل زناشویی همان "سختدلی" می‌باشد. روح القدس در دل گوشتی جای می‌گیرد. اما بخاطر نادانی مردم، ازدواج‌ها میان سختدل و گوشتدل (و بعکس) انجام می‌گیرد و پیامد ها (بجای آنکه کمال شادی بی‌انگارد) همه ناگوار می‌شوند و به طلاق دادن‌ها می‌انجامند.

عیسی می‌گوید، "هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است". طلاق تنها در صورت زنا (خیانت) امکان پذیر است. منظور، اهمیتی است که خدا به ازدواج خود می‌دهد. اوست که در مابین عموم، آن را شاهد، پایه ریزی، و ثبت نمود. اگر ایماندار هستید و ازدواج کرده اید، خدا به یکتا شدن شما اهمیت زیادی می‌دهد. اگر مسئله این پیش آید، کمال شادی بینگارید، چون عیسی زمینه را برای آموزش موضوع دیگری (مسئله) فراهم ساخته. نتیجه بهشتی را می‌خواهد در شما پدید آورد. عیسی همیشه زمینه آنچه می‌خواست بیاموزد را قبلاً فراهم می‌ساخت. مسائل فرزندان خدا همه زمینه برآوردن میوه خداست. همه مسائل فرزندان خدا یک هدف دارند، میوه خدا. و خوب

می دانیم که میوه خدا مُمد حیات ماست. به همین منظور عیسی جانش را برای ما داد. خدا در جای دیگری می گوید، "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید".

### متی ۱۹

۱۰: شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است،

پس ازدواج نکردن بهتر است!»

۱۱: عیسی گفت: «همه نمی توانند این کلام را بپذیرند،

مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد.

۱۲: زیرا بعضی خواجه اند، از آن رو که از شکم مادر چنین متولد شده اند؛

بعضی دیگر به دست مردم مقطوع النسل گشته اند؛

و برخی نیز به خاطر پادشاهی آسمان از ازدواج چشم می پوشند.

هر که می تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند».

همه فکر می کنند زندگی زناشویی بدون طلاق امکان پذیر نیست! "شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است، پس ازدواج نکردن بهتر است!»". فرق میان دل گوشتی و دل سنگی را می بینید؟ تنها روح القدس می تواند دل سنگی را به دل گوشتی تبدیل نماید، اما...، در صورتی که بخواهند، بگویند و بجوبند ("همه نمی توانند این کلام را بپذیرند"). تغییر خداگانه را روح القدس انجام می رساند، اما در صورتی که کلامش استفاده شود، نه برداشت و تفسیر ما. اعتباری که کلام خدا دارد بیشتر از حرفی است که ما می زنیم. همچنین یادتان باشد که روح القدس تنها از کلامش استفاده می کند. هر فرزند خدا باید از کلام الهام گرفته، آنگونه که خدا می خواهد رفتار نماید (و یک یا دو نفر همفکر دیگر باید به او کمک کنند). عیسی از این فرصت استفاده کرد تا جنبه اجتماعی ازدواج را بیاموزد. "همه نمی توانند این کلام را بپذیرند، مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد". منظور کسانی هستند که یا عطیه تجرد را دارند و یا به خاطر شرایط محیط زندگی دچار مشکلات جنسی شده اند. اما می گوید، "و برخی نیز به خاطر پادشاهی آسمان از ازدواج چشم می پوشند". منظور خدا همیشه ساختن پادشاهی خداست. "پادشاهی" یعنی چه...؟ یعنی حاکم بر زندگی. این کار را چگونه انجام می دهد...؟ ابتدا گناهان را بکلی می آمرزد (ایمان به کلام)، و سپس با کلامش و روح القدسی که درون دل است، هر چه آثار شیطان هست را پاک کرده همان نوری که بالای تپه می درخشد را بوجود می آورد. معجزه خداست در دنیا. "هر که می تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند". زمانی که فرزند خدا کلام را خود تجربه می کند، بیشتر از نیازش از خدا برداشت می کند. آن نیز همان روح القدس است که تشنه برداشت از خدا را ایجاد می سازد. همه این ت از مسائل و مشکلات فرزند آغاز می گردد. خدا می گوید در زمانی که با مسئله ای روبرو می شوید، آن را لعنت زندگی از جلال افتاده نشمارید...! آن را امکانی برای برداشت از خزانه بینهایت خدا بشمارید. مورد دیگری که میان می آید، خجالت فرزندان از اعتراف به اشکالی است که در خود دارند. فراموش کرده اند که ابتدا همان نیازشان به خدا بود که باعث ایمان آوردنشان شد. شما آنچه از قدیم بود را به آنچه تازه شنیدید ترجیه دادید. حال خدا می خواهد آن نیاز را (و هر چه دیگر هست) از او پر کند. اما بسیاری خجالت می کشند.

اینجا بحث مهمی که در رابطه با خجالت پیش می آید را نباید نادیده گرفت. پنهان کاری از همان آغاز شروع می شود (چون اعتبار شما تازه دارد پیریزی می شود). در این زمینه مطالعه باید کرد و از تجربیات همدیگر استفاده نمود.

متی ۱۹

۱۳: آنگاه مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنان دست بگذارد و دعا کند.  
اما شاگردان مردم را سرزنش کردند.

۱۴: عیسی گفت:

«بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را باز مدارید،  
زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است.»

۱۵: پس بر آنان دست نهاد و از آنجا رفت.

در ادامه به سخنانش بود که "مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنان دست بگذارد و دعا کند. اما شاگردان مردم را سرزنش کردند". اینجا عیسی از فرصت استفاده کرد تا درسی را آموزش دهد. می گوید، "بگذارید کودکان نزد من آیند" و "زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است". "کودکان" چه کسانی هستند...؟! نوایمانان هستند که می خواهند نزد عیسی بیایند. جلوی آنها را کوهی از مشکلات گرفته. کوه را تنها خدا می تواند از میان راه بردارد. می گوید، "ایشان را باز مدارید". نگذارید سوال های روحانی که دارند بدون پاسخ از کلام (و بدور از عیسی) بر جای بمانند. هر یک از این تردید های روحانی در خدا، سد معبری هستند (مانند این افراد) که نمی گذارند آنچه ابراز می دارید را دریافت کنند. پیام باید وارد دل بشود. اما دل آنچه می خواهد را نمی تواند دریافت کند چون نمی داند چکار باید بکند. کسی نیست جز عیسی که به او کمک کند. اینجا است که پای کشیش، شیخ، مشاور مسیحی، خادم، به صحنه جنگ روحانی خوانده می شوند. این افراد تنها نیستند، مجموع خادمین کلیسا هستند که ضمانت محفوظ داشتن اطلاعات را می کنند. رساندن پیام به یک نفر احتیاج دارد، اما تجربه کلام به دو یا سه نفر. در نتیجه، اگر کلیسا قرار است رشد کند (آنچه ناچیز است را بالا ببرد)، لازم است همان اندازه که پیام را می رساند، همانقدر نیز پیامش اجرا شود. کلامی که تفسیر می کنید را به اعضا بدهید آنها نظرشان را بنویسند. اینگونه خود را متکی به پیام نشان می دهید، و هم برداشت اعضا را خواهید سنجید. منظور برداشتن موانع راه رشد روحانی اعضا است.

## متی ۱۹

۱۶: روزی مردی نزد عیسی آمد و پرسید:

«استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟»

۱۷: پاسخ داد: «چرا درباره کار نیکو از من سؤال می کنی؟

تنها یکی هست که نیکوست.

اگر می خواهی به حیات راه یابی، احکام را به جای آور.»

۱۸: آن مرد پرسید: «کدام احکام را؟»

عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،

۱۹: پدر و مادر خود را گرامی دار،» و «همسایه ات را همچون خویشتن محبت نما.»

۲۰: آن جوان گفت: «همه این احکام را به جای آورده ام؛ دیگر چه کم دارم؟»

۲۱: عیسی پاسخ داد: «اگر می خواهی کامل شوی، برو و آنچه داری بفروش

و به فقیران بده که در آسمان گنج خواهی داشت.

آنگاه بیا و از من پیروی کن.»

۲۲: جوان چون این را شنید، اندوهگین شد

و از آنجا رفت، زیرا ثروت بسیار داشت.

مذهبیون می خواهند بدانند بالاخره چطور می رسیم به مقصد؟ "استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟". با کارشان می خواهند لطف خدا را بخرند. متوجه شدید عیسی را "نیکو" خواند. بله مذهب روحانیت، شفا، نیکوئی، و غیره را نیز دارد. حتی نام خدا را نیز دارند و می پرستند. اما فرقتشان چیست...؟ فرق در میوه آورده می باشد. انسان ممکن است کسی را گول بزند، اما خدا را نه. احکام مذاهب بسیارند. من خود از دویست جلد کتاب مربوط به یک مذهب خبر دارم. عیسی خود تعدادی از آن را نام برد (۱۸-۱۹). و آن جوان گفت، "همه این احکام را به جای آورده ام؛ دیگر چه کم دارم؟". قافل از آنکه عیسی به دل می نگرده نه به ظاهر. می گوید، "برو و آنچه داری بفروش و به فقیران بده که در آسمان گنج خواهی داشت". دو نتیجه از آن می گیریم، یکی پول و ثروت این دنیاست و دیگری راست گفتن به خدا است. خدا می داند در دل ما چیست، اما می خواهد هر چه هست را از خود ما بشنود. در مصاحبت با روح القدس (درد دل با خدا) است که حقیقت دل ما آشکار می گردد (حتی برای خودمان). خدا برای همین روح القدس را داد، تا از شر مذهب خلاص شده به خدای زنده بپیوندیم. و متأسفانه، "جوان چون این را شنید، اندوهگین شد و از آنجا رفت،".

### متی ۱۹

۲۳: آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت:

«آمین، به شما می گویم،

راه یافتن ثروتمندان به پادشاهی آسمان بس دشوار است».

۲۴: باز تأکید می کنم

که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است

از راهیابی شخص ثروتمند به پادشاهی خدا».

۲۵: شاگردان با شنیدن این مطلب بسیار شگفت زده شدند و پرسیدند:

«پس چه کسی می تواند نجات یابد؟»

۲۶: عیسی بدیشان چشم دوخت و گفت:

«این برای انسان نا ممکن است، اما برای خدا همه چیز ممکن است».

در این قسمت دوباره می بینیم که عیسی از هر چه پیش میامد استفاده می کرد تا جنبه روحانی خدا را به مردم و شاگردانش نشان دهد. پس از آنکه آن ثروتمند از عیسی جدا شد، دیدگاه انسانی و روحانی را نسبت به پول و مال دنیا نشان داد. "گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از راهیابی شخص ثروتمند به پادشاهی خدا". آیا عیسی مخالف پول داشتن است...؟ البته خیر! اما منظور تکیه به آن است. اگر بخواهید جانتان را حفظ کنید، بیمه عمر نخرید، اما وارثان خود را اعلام بنمائید. آنچه مال عیسی است را به عیسی بدهید.

### متی ۱۹

۲۷: پطرس گفت: «اینک ما همه چیز را ترک گفته ایم و از تو پیروی می کنیم.

چه چیزی نصیب ما خواهد شد؟»

۲۸: عیسی به ایشان گفت:

«آمین، به شما می گویم، در جهان نوین،

هنگامی که پسر انسان بر تخت شکوهمند خود بنشیند،

شما نیز که از من پیروی کرده اید،

بر دوازده تخت خواهید نشست

و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهید کرد.

۲۹: و هر که به خاطر نام من

خانه یا برادر یا خواهر یا پدر یا مادر یا فرزند یا املاک خود را ترک کرده باشد،

صد برابر خواهد یافت و حیات جاویدان را به دست خواهد آورد.

۳۰: اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند شد،

و آخرینها اولین!



پطرس می گوید، "اینک ما همه چیز را ترک گفته ایم و از تو پیروی می کنیم. چه چیزی نصیب ما خواهد شد؟" سوال بسیار بجائی است. باید سوالات خود را به زبان آوریم. اگر خجالتی در کار است، صد معبر شیطان است. جواب سوالات اگر بدست آید، قدم بزرگی در پیشبرد مقاصد خدا در شماست. صد معبر دیگر، ترس است. همه باید دانسته باشیم که در خدا ترس نیست. یعنی ترس اگر باشد، نشانه وجود شیطان است. خدا نمی خواهد بترسید از آنکه ممکن است چه شود، شک و تردید و یا سوالاتی که دارید را با غیرت مسیح ابراز بنمائید. کلیسا برای حل تمام مشکلات انسان در اختیار است.

عیسی در جواب گفت، "شما نیز که از من پیروی کرده اید، بر دوازده تخت خواهید نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهید کرد". ما خادمین انضبات تخت خدا خواهیم شد. دروازه بان خادمین کلیسا هستند که در این دنیا پرورش خود را میابند. منظور اینست که زندگی روحانی ما تنها در این دنیا رواج نخواهد داشت، بلکه پله ایست به دنیای برتر. و چون خدا بی نهایت است، ما نباید خود را محدود به این زمان ببینیم. ما خدائی را می پرستیم که هیچ محدودیتی در نیکوئی او نیست. زندگی ما ابدیست. همانگونه که حال او را می پرستیم، در آینده خود بجائی می رسیم که فقط می توانیم تکرار کنیم خدا را شکر، خدا را شکر.

### فهرست زیر نویس های فصل نوزدهم

(۱) در خصوص طلاق به <http://www.moshaveremasihi.com/Guest-Book.html> و دکمه 'مشاوره طلاق' رجوع نمائید.